

مقام

دوره تازه • شماره اول • آذر ۱۳۸۱ • ۵۰۰ تومان

ماهنامه
موسیقیایی

نخستین جشنواره موسیقی سنتی ایران (کوچ)

فرهنگ و دین
سیاست های مرکز موسیقی
دیدگاه فلاسفه درباره موسیقی
موسیقی و دین
یادواره استاد حسین یاحقی
برنامه سرگذشت رادیو
چهره های ماندگار موسیقی
انجمن صنفی هنرمندان
به یاد فرهاد مهراد و داریوش زرگری
داستان ماه (سه تار)
اخبار، رویداد و گزارش

■ کنسرت «گروه شمال» در روزهای ۲۷ تا ۲۹ تیرماه در «کوشک احمدشاهی» (واقع در مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران)، طی پروژۀ «بناها و آواها» بیش از آن استقبال شد که انتظار می‌رفت. دومین کنسرت در ماه‌های گذشته در تهران اجرا شد و اجرایی که قرار بود در شیراز باشد، به دستور کتبی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، به دلایل نامشخص، با وجود اخذ مجوز قانونی از پیش، ملغی اعلام شد. می‌توان گفت که کار این گروه و سرپرست آن - آقای حسین حمیدی - بسی متفاوت بود با اجراهای ظاهراً مشابهی که پیش از این می‌شنیدیم و از این پس نیز می‌شنویم. در اولین برنامه، موسیقی قشقایی و موسیقی گیلکی اجرا شد و سرپرست گروه، خود در برنامه‌ها حضور داشت و صدای نرم و زیبایی نی لبک و بالابان او در ارکستر طنین‌انداز بود. آثار متنوعی از او در قالب نوار و کتاب منتشر شده است.

او با همه گرفتاری که پیش رو برای برنامه‌هایش داشت و با همه پرهیزی که از مطرح شدن دارد، بالاخره این گفت‌وگو را پذیرفت.

■ لطفاً از چگونگی تشکیل گروه شمال و انگیزه خودتان در راه‌اندازی این گروه بفرمایید:

درواقع از سال‌های گذشته همیشه به فکر تشکیل یک گروه موسیقی محلی ایران بودیم که بتواند با سازبندی‌های خاص خودش، موسیقی محلی ایران قطعاتی را اجرا کند، اما اجرایش در عمل مشکل می‌نمود. البته من ضمن کارهایی که در سال‌های گذشته انجام داده و ضبط کرده بودم، قطعاتی را برای اجرای این گروه آماده داشتم. در سال گذشته با وجود دوستانی از خوانندگان و نوازندگان محلی، امکان تشکیل گروه عملاً بوجود آمد. طی این مدت چند کنسرت را در تهران و شهرستانها برگزار کرده‌ایم و علی‌رغم مشکلات موجود توانسته‌ایم این گروه را بدون تغییری در اهداف آن حفظ کنیم. گروه‌ها همیشه ابتدا خوب آغاز می‌کنند اما بعد، با پیش آمدن مشکلات سر از جاهای دیگر درمی‌آورند. به هر حال من با توجه به اینکه ترجیح می‌دهم در هر شرایطی کار خوب انجام شود، امیدوارم بتوانیم فعالیت‌های این گروه را ادامه بدهیم با عنوان «بازآفرینی موسیقی محلی ایران» نگرشی جدید به موسیقی نواحی ایران داشته باشیم.

■ در تنظیم قطعات به چه مواردی توجه داشته‌اید؟

معمولاً سعی کرده‌ام که در سازبندی گروه حتماً از سازهای شاخص آن منطقه استفاده کنم. در مورد تنظیم خود موسیقی نیز سعی می‌کنم به هر حال یک دید زیبایی‌شناسی کلی داشته باشم و از ویژگی‌های محتوایی موسیقی هر محل که با یکدیگر تفاوت‌های جدی دارند استفاده کنم. حالاتی مثل حزن، نشاط و... که در موسیقی‌های ما وجود دارند و در هر نوع آن زیبایی‌های متفاوتی پیدا می‌شود، بسیار مهمند که به چه صورت ارائه شوند تا محتوی و هویت خود را از دست ندهند. خیلی اهمیت دارد که به هویت هر نوع موسیقی احترام بگذاریم و تنظیم و ارائه آن را با احتیاط انجام دهیم. البته تا آنجایی که امکان دارد، سعی می‌کنم در تنظیم‌هایم از نگاه غربی پرهیز کنم و این نوع از موسیقی را با دید شرقی بنگرم. تا آنجایی که می‌توانم کارهایم را با تنوع در رنگ‌آمیزی صوتی با سازبندی انجام می‌دهم تا با چند خطی نوشتن یا استفاده از دیگر تکنیک‌های آهنگسازی در موسیقی غرب.

■ در این مدت در زمینه چه موسیقی‌هایی فعالیت کرده‌اید و علت آن چه بوده؟

حدود یک سال است که ما روی موسیقی قشقایی و گیلان کار می‌کنیم و کنسرت‌هایی هم داشته‌ایم. همیشه سعی کرده‌ایم که به جلو حرکت کنیم و برنامه را تغییر و تحول ببخشیم تا هم خودمان از ارائه کار لذت ببریم و به تبع آن، در انتقال آن به مخاطب بیشتر موفق باشیم. این انتخاب نیز به صورت حساب شده انجام گرفته و ما به ارائه دو تابلوی مختلف که شاید بسیار متضاد هستند، پرداخته‌ایم.

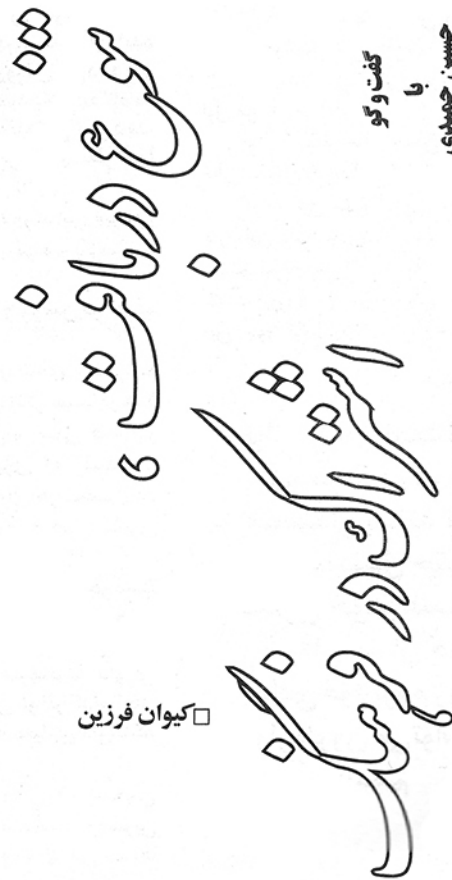
موسیقی قشقایی در اشعار و ملودی‌های خاص خود دارای محتوای محزون با بیان هجران‌ناشی از زندگی سراسر کوچ ایل است. زندگی‌ای

■ حسین حمیدی (اردبیل - ۱۳۳۶)
نوازنده سازهای بادی، سرپرست گروه شمال، پژوهشگر و مؤلف؛ زاده شده در خانواده‌ای اهل موسیقی.
دانش‌آموخته هنرستان عالی موسیقی ملی و ادامه تحصیل در ترکیه.
تحقیق درباره سازهای بادی چوبی (محلی) از ۱۳۶۵ به تشویق فرهاد فخرالدینی و حسین علیزاده؛ گردآوری و تنظیم قطعاتی از موسیقی محلی به سفارش یونسکو در سال ۱۳۷۰.
از آثار: نوارها و سی‌دی‌های: شبایش (رقص‌های محلی ایران)، می‌گیلان و گیله‌لو (موسیقی محلی گیلان)، هشت بهشت (مجموعه‌ای از موسیقی محلی ایران) و بالابان (تک‌نوازی).



■ عکس‌ها: امید محکم‌ی
(با تشکر از: رضا دبیری‌نژاد)

حسین حمیدی
با
گفت و گو



□ کیوان فرزین



گفت که خانم افسانه جهانگیری یکی از باارزش‌ترین راویان لالایی‌های ایل قشقایی هستند و ما بسیاری از برنامه خود را از روایت‌های ایشان و همسرشان آقای فرود گرگین‌پور استفاده کرده‌ایم.

در قسمت موسیقی گیلان خواننده ما آقای ناصر وحدتی هستند که چون خودشان حضور دارند، توضیح خواهند داد.

■ آقای وحدتی! لطفاً کمی در مورد موسیقی گیلان علی‌الخصوص ترانه‌های عامیانه و محلی این ناحیه توضیح دهید:

تردیدی نیست که البرز به‌ویژه دیلمان، خاستگاه موسیقی گیلان است. من البته کتابی نیز با همین موضوع نوشته‌ام که ماحصل تحقیق چندین ساله در زمینه موسیقی فولکلور گیلان است. این کتاب را انتشارات نگاه در سال ۸۰ چاپ کرده است. در این کتاب بین موسیقی محلی و موسیقی فولکلور تفاوت قائل شده‌ام. با این توضیح که موسیقی محلی، شاعر و آهنگساز مشخص دارد، اما ترانه‌ها و آوازهای فولکلور شاعر و ترانه‌سرا و آهنگساز مشخص ندارد. من البته در بخش گیلان فقط ترانه‌های فولکلور می‌خوانم با همان ابعاد و اندازه‌های خودش، ولی حدود ۳۰ سال این ترانه را از پیرمردان و پیرزنان دیلمانی و بخش‌های جلگه‌ای گیلان و به‌ویژه سیاهکل و لپش که زادگاه من است، جمع‌آوری کرده‌ام. در دوران

نوجوانی و جوانی دسته‌های پنجاه نفری زنان و دختران لپش را می‌دیدم که به یآوری گیله مردی که کار وچین شالیزارش به اتمام نرسیده بود می‌شتافتند و طی راه، شورانگیزترین آوازها و ترانه‌ها را می‌خواندند که من در این برنامه گروهی، بخش‌هایی از این آوازها را می‌خوانم. آوازهای «دیه نگوم چونه یی» «در خون باجیه یی»، «کفتره کفتره»، «سوپوله یی» و از این دست را بی هیچ کم و کاستی اجرا می‌کنم.

پُر از سختی و دورافتادگی‌های ناشی از جدایی ترکان شمال ایران و ترکان قشقایی است که در عین حال بسیار با طبیعت نیز عجین شده است. از طرفی دیگر آمیختگی فرهنگی این قوم و موسیقی ایشان با اقوام مرکزی و جنوبی کشور باعث ایجاد ویژگی خاص در این موسیقی شده که می‌توان در آنها حزن، عشق و حتی حالات انقلابی را پیدا کرد.

در کنار این موسیقی، ما موسیقی گیلان را قرار داده‌ایم که از حیات سبز مملو است. برخاسته از سرزمینی پربرکت، پر باران با شالیزارهای حاصلخیز برنج و چای که هرچند آن هم غم و شادی دارد، لیک غم و شادی آن با موسیقی قشقایی کاملاً متفاوت است و شنونده در پایان برنامه و با شنیدن این دو نوع از موسیقی پی می‌برد که در سرزمینی زندگی می‌کند که هر گوشه گوشه آن (در عین شباهت با گوشه‌های دیگر) دارای خصوصیات و ویژگی‌های متفاوت است.

اعضای گروه نیز به هنگام اجرا هر کدام با لباس یکی از اقوام ایرانی به روی صحنه می‌روند تا نشان دهند که اقوام مختلف ایرانی در حین تنوع دارای وحدت نیز هستند و ما این وحدت را با ارائه موسیقی اقوام دیگر بهتر نشان خواهیم داد. بخصوص زمانی که موسیقی قومی را در محل قوم دیگر اجرا می‌کنیم (مثلاً اجرای موسیقی قشقایی در مازندران که سال

گذشته به انجام رسید) برای ما یک توفیق بود. اگر چه برای ادامه آن با توجه به محتوا و نوع گروه حتماً حمایت‌های دولتی را لازم می‌دانم.

■ در مورد بخش آوازی کار که شاید قسمت اصلی این موسیقی‌ها باشد، چه توضیحی دارید؟

در قسمت قشقایی، خانم‌ها: نازلی و افسانه جهانگیری با ما همکاری دارند که هر دو دوران کودکی و نوجوانی خود را در ایل گذرانده‌اند. شاید به حق بتوان

